

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»

قربانگاہ کابل

در برم دل شور و غلغل می کند یاد قربانگاہ کابل می کند
همدمی دارم که از درد وطن قصه شیرین چو بلبل می کند
از قصاب کوچه بگوید داستان یاد قصاب سر پل می کند
از دهان جاده و از تخته پل قصه های پر تسلسل می کند
گفتمش حرفی بزن بی پرده گفت گر بگویم زخم دل گل می کند
گفتمش کار منافق چیست، گفت رفته در کابل چپاول می کند
گفتمش راکت که میبارد به شهر گفت گل میگوید و گل می کند
چنگ زد گرگی درین عشرتسرا پاره های دل تناول می کند
میخ میکوبد که در سر، گفتمش گفت هر کس از تجاها می کند
سینه زن را بریده کیست، گفت این ستم از جزء تا کل می کند
گفتم از وحدت خبر نبود چرا گفت وحدت خود چپاول می کند
صدراعظم چون نمی آید به شهر گفت آقا کی تنزل می کند
گفتمش تنها به کابل این جفاست گفت قومی هم به زابل می کند
گفت شیری کش مجاهد نام بود روبهی در شهر کابل می کند
هر یکی با مکر و تزویر و ریا با دگر جنگ و تقابل می کند
مال مردم را بغارت می برد مشق و تمرین تجمل می کند
زیر نام دین گلی داده به آب عاقبت دنیا و دین گل می کند
چیز و تام جامعه خورده بهم جزء قربان هوس، کل می کند
مردم عاجز ازین جنگ و جدل هر چه می بیند تحمل می کند

انتقاد تو «اسیر» از حد گذشت

بیخ گوشت نی که جُلُجُل می کند

(بن - المان، نومبر 1993 م)